

## «إِذْ» و «إِذَا» فجائیه و بررسی آن در ترجمه نصوص دینی

عبدالکریم یوسفی \*

### چکیده

«إِذْ» و «إِذَا» از اسامی پرکاربرد در زبان عربی‌اند که از نظر نحوی، ظرف بوده و مبنی محسوب می‌شوند. این دو اسم در مواضع گوناگونی به فراخور غرض متکلم مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده از این دو واژه در موضع فجائیه دارای ظرافت‌های معنایی بسیاری است که توجه به آن در امر ترجمه، مخاطب را بسیار تحت تأثیر قرار داده و او را بیشتر در فضای مورد نظر متکلم قرار می‌دهد. دلیل این امر آن است که این دو واژه علاوه بر معنای ظرفی، دربردارنده معنای «وقوع ناگهانی» هم هستند. جهت یافتن این ظرافت‌ها باید به فضای مکالمه عرب در زمان نزول قرآن و حضور معصومین علیهم‌السلام راه یافت و از علمای بزرگ تاریخ ادبیات عرب خصوصاً متقدمین آنها مانند جناب سیبویه بهره برد.

### واژگان کلیدی:

إِذْ فجائیه، إِذَا فجائیه، ظرف، نصوص دینی

---

\* طلبه پایه سوم مدرسه شهیدین (ره)

## مقدمه

شیوایی، رسایی، دقت و ظرافت از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان عربی بوده که این زبان را از دیگر لغات دنیا ممتاز می‌کند و این امر امروزه بر کسی پوشیده نیست. قراردادن مخاطب ناآشنا با زبان عربی و ظرافت‌های موجود در آن در فضای این زبان، نیازمند دقت و ظرافت در امر ترجمه است. تاکنون تلاش‌های بسیاری در امر معناشناسی صورت گرفته و کتب و مقالات گوناگونی در مجله نگاه و غیر آن به رشته تحریر درآمده است اما نکته‌ای که این پژوهش را متمایز می‌کند، بررسی تطبیقی و جزئی ترجمه‌ها با توجه به موضوع تحقیق می‌باشد. باید دانست که این کلام مشهور در ادبیات عرب که «زیادة المبانی تدلّ علی زیادة المعانی» تا چه حد در مفاهمه عرب تاثیرگذار است. ما همین مسئله را در مقایسه وجه فجائیة دو واژه نزدیک به هم یعنی «إذ» و «إذا» که بسیاری از مترجمین را برآن داشته که این دو کلمه را مانند هم ترجمه کنند، بررسی کرده‌ایم و متوجه شدیم که تاثیر این دو کلمه در فهم مخاطب منحصر به خود این دو نیست بلکه مفهوم کل جمله و فضای تخاطب را تحت تاثیر قرار می‌دهد. پس وجود یک الف بیشتر در «إذا» نسبت به «إذ» رنگ جدیدی به معنای جمله تزریق می‌کند.

این مقاله به دو بخش کلی تقسیم می‌شود: در بخش اول به توضیحاتی کلی پیرامون این دو واژه و تبیین وجوه مختلف آن با تأکید بر وجه فجائیة آن پرداخته‌ایم و در بخش دوم نیز تعدادی از استعمالات قرآنی و روایی آن را بررسی کرده و بین ترجمه‌های مختلف آن‌ها مقایسه انجام داده‌ایم.



## ۱. إِذْ و إِذَا از ظروف مبنی

إِذْ و إِذَا از اسم‌های مبنی و دائم‌الاضافه به جمله هستند که بنا بر نظر سیبویه، خلیل و جمهور، «ظرف غیرمتصرف» هستند یعنی تنها «ظرف»، «بدل از ظرف» و «جار و مجرور» (شبه ظرف) واقع می‌شوند. اما در سمت مقابل جناب ابن هشام و ابن مالک این دو را «ظرف متصرف» می‌دانند یعنی علاوه بر نقش‌های مذکور در ظرف غیر متصرف، صلاحیت پذیرفتن برخی از دیگر نقش‌ها همچون مبتدا و خبر و ... را دارند.

اختلاف آراء موجود در مسئله و استعمالات مختلف إِذْ و إِذَا در جایگاه‌های مختلف، سبب شده نظرات علمای نحو در بسیاری از مواضع تفاوت فاحشی با هم داشته باشد. به طوری که برای مثال در یک موضع بعضی إِذْ را اسم و ظرف گرفته‌اند و برخی قائل به حرف بودن آن شده‌اند.

تا حد ممکن سعی خواهیم کرد وجوه مختلف ادعا شده برای هر کدام از إِذْ و إِذَا را تبیین کنیم.

## ۲. إِذْ

کلمه «إِذْ» دائم‌الاضافه به جمله اسمیه و فعلیه بوده و ادعا شده است که چهار وجه دارد:

### ۱-۲. وجه اول

ظرف برای زمان ماضی باشد که غالب استعمالات آن به همین صورت است و چهار نوع استعمال دارد:

۱ - ظرف باشد و غالباً هم همین‌گونه است مانند:

«إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا» (توبه: ۴۰)

۲ - مفعول به مانند:



«وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمُ» (اعراف: ۸۶)

۳ - بدل از مفعول به مانند:

«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» (مریم: ۱۶)

۴ - مضاف الیه مانند:

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا» (آل عمران: ۸)

## ۲-۲. وجه دوم

ظرف برای زمان آینده باشد. عده‌ای ادعا کرده‌اند که از آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (زلزال: ۴) ظرف برای آینده است در حالی که جمهور آن را از باب «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ» (یس: ۵۱) می‌دانند، یعنی همانطور که به دلیل قطعی بودن نفخ صور که در آینده رخ خواهد داد از فعل ماضی استفاده شده در این آیه هم از آنجایی که از امری حتمی خبر می‌دهد نازل منزله ماضی شده است. در نتیجه از در اینجا هم مثل اکثر استعمالات دیگر بر ماضی وارد شده است.

## ۲-۳. وجه سوم

برای تعلیل باشد. مانند:

«وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُمُ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ» (زخرف: ۳۹)

که البته جمهور این وجه را هم نمی‌پذیرند.

## ۲-۴. وجه چهارم

چهارمین وجهی که برای آن ذکر شده و محل بحث ماست «معنای مفاجأة» یا «فجائية» است که مورد نزاع‌های گوناگون بین علمای نحو است. اما نکته مهم در این مورد نص جناب سیبویه در آن است.



سیبویه چنین می‌گوید:

«وتكون إذ مثلها أيضا [ای مثل اذا] و لا يليها أأ الفعل الواجب و ذلك قولهم:

بينما انا كذلك إذ جاء زيد...» (سیبویه، ۱۷۰ق، ج ۲، ص ۳۱۱)

اجماع بر این است که هرگاه إذ بعد از بینا و بینما قرار گیرد برای مفاجأة است.

صاحب حدائق می‌گوید:

«و ترد إذ للمفاجأة، نص عليه سيبويه، و هي الواقعة بعد بينا و بينما كقوله (م)

سيدعلي خان مدني، ۱۱۰ق، ص ۸۲۷):

«استقدر الله خيرا و ارضين به فيبينما العسر إذ دارت مياسير»

هم‌چنین جناب ناظر الجیش در شرح التسهیل بیان می‌دارد:

«وقد تجيء إذ أيضا للمفاجأة كقول عمر: بينما نحن عند رسول الله ﷺ إذ طلع

علينا رجل...» (ناظر الجیش، ۷۵۰ق، ج ۴، ص ۱۹۲۵)

و بسیاری از نحویون این معنا را برای إذ اثبات کرده‌اند.

در مقابل این نظر مخالفانی هم دارد و عده‌ای آمدن إذ برای مفاجأة خصوصا بعد

از بینا را انکار کرده‌اند از جمله جناب حریری در درة العواص آن را از اوهام دانسته و

هم‌چنین ابن مالک گفته است:

«ترك إذ بعد بينا و بينما أقيس و كلاهما عربي.»

اما قائلین به إذ فجائیه هم در ماهیت این کلمه اختلاف دارند: عده‌ای آن را حرف

می‌دانند و عده‌ای ظرف (اسم). بنابراین قول به ظرف بودن إذ، جناب ابن جنی می‌گوید:

«عامل آن فعلی است که بعدش می‌آید؛ زیرا إذ به ما بعدش اضافه نشده است

و عامل بینا و بینما فعل محذوفی است که فعل مذکور آن را تفسیر می‌کند.»

هم‌چنین جناب شلوبین می‌گوید:

«إذ به جمله اضافه شده است پس نه در آن عمل می‌کند و نه در بینا و بینما.

زیرا مضاف‌الیه نه در مضاف عمل می‌کند و نه در قبل. بلکه عامل بینا و بینما

محدوف است و سیاق کلام بر آن دلالت می‌کند و إذ هم بدل از آن دو است.»

قولی هم می‌گوید:

«عامل إذ ما بعد بین است بنا بر این که بین مکفوف از اضافه است همانطور که ما بعد اسم شرط در آن عمل می‌کند. و قول دیگر: بین خبر است برای محذوف و تقدیر در «بینما أنا قائم إذ جاء عمرو» می‌شود: بین اوقات قیامی مجئ عمرو. و قول آخر: بین مبتدا و إذ خبر آن است و معنا در مثال مذکور چنین است: حین أنا قائم جاء عمرو.»

### ۳. إذا

إذا کلمه‌ای است که دو کاربرد دارد:

#### ۱-۳. کاربرد اول: شرطیه مستقبلیه

إذا در این کاربرد متضمن معنای شرط بوده و مختص به جمله فعلیه است. در این حالت کثیرا و دون کثیرا<sup>۱</sup> بر ماضی داخل می‌شود که هر دو در این بیت شعر جمع شده‌اند:

«و النَّفْسُ رَاغِبَةٌ إِذَا رَغِبَتْهَا      وَ إِذَا تَرَدَّ إِلَى قَلِيلٍ تَفَنَعُ»

گاهی هم بعد از آن اسم می‌آید مانند:

«إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» (انشقاق: ۱)

اما به این معنا نیست که واقعا بر جمله اسمیه داخل شده بلکه اسم مرفوع مابعد فاعل است برای فعل محذوفی که فعل مذکور آن را تفسیر می‌کند.

گفتنی است که ادعا شده إذا در این حالت گاهی از ظرفیت یا شرطیت یا استقبالیته خارج شده است.

۱. کمتر از کثیر و بیشتر از قلیل



## ۲-۳. کاربرد دوم: مفاجأة

إذا در این کاربرد محل بحث ماست. مانند این مثال:

«خرجت فإذا الاسد بالباب»

که ویژگی‌های زیر را برای آن برشمرده‌اند:

۱. اختصاص به جمله اسمیه دارد.
  ۲. در ابتدای کلام واقع نمی‌شود.
  ۳. معنای آن حال نسبی است؛ زیرا دلالت بر وقوع ناگهانی ما بعدش بعد از وجود ما قبل می‌کند.
  ۴. بی نیاز از جواب است؛ زیرا متضمن معنای شرط نیست.
- میان علمای نحو در مورد حرف یا اسم بودن إذا همانند إذ اختلاف است. اخفش و کوفیون معتقدند که إذا حرف است به دلیل این قول عرب «خرجت فإذا إن زيدا بالباب» و ابن هشام هم در معنی اللیب این قول را ترجیح داده است چون هیچ کلمه‌ای که صلاحیت عمل در إذا داشته باشد وجود ندارد.
- همچنین جناب زجاج و ریاشی و ابن طاهر و ابن خروف آنرا ظرف زمان و جناب مبرد و فارسی و ابن جنی آنرا ظرف مکان دانسته‌اند و قول اخیر به سببیه هم نسبت داده شده است.
- اما در مورد عامل إذا بنا بر قول به ظرف بودنش، جناب زمخشری عامل را فعل مقدر مشتق از لفظ مفاجأة دانسته و بیان داشته که تقدیر در آیه شریفه «ثم إذا دعاكم دعوة من الارض إذا انتم تخرجون» (روم: ۲۵) چنین است: «فاجأتكم الخروج في ذلك الوقت». ولی جناب ابن هشام معتقد است عامل آن در مثل «خرجت فإذا زيد جالس» خبر مذکور و در مثل «خرجت فإذا زيد» خبر مقدر است (ای حاضر). اما این سؤال هنوز باقی می‌ماند که در «خرجت فإذا إن زيدا جالس» عامل چیست؟
- و اما ثمره این اختلاف در مثل چنین قولی آشکار می‌گردد: «خرجت فإذا الاسد».



بنابر قول اول (حرفیت) إذا صلاحیت خبر واقع شدن ندارد زیرا؛ الحرف لا یخبر به و لا عنه، همچنین بنابر قول دوم هم نمی‌تواند خبر واقع شود زیرا به وسیلهٔ زمان از اسم ذات خبر نمی‌دهند مگر این که مضافی برای آن در تقدیر بگیریم مثلاً بگوییم: فإذا حضور الاسد. اما بنابر قول سوم مانعی ندارد و صحیح است که إذا خبر واقع شود و معنا چنین می‌شود: فبالحضرۃ الاسد.

#### ۴. إذ و إذا در ترجمه

اما آن چه برای ما اهمیت دارد طریقهٔ ترجمهٔ این دو کلمه و معنای خاصی است که بر آن دلالت می‌کنند، یعنی باید ببینیم که متکلم فصیح عرب در چه موضعی و به چه غرضی از إذ و إذا فجاییه که پیشتر آن را به اثبات رساندیم استفاده می‌کند. نکتهٔ اصلی بر اساس موارد استعمال إذ و إذا آن است که متکلم در صورتی که بخواهد از وقوع ناگهانی امری خبر دهد، از این دو کلمه استفاده می‌کند. مثلاً در آیهٔ «وَإِنْ تُصَبِّهُم سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ» (روم: ۳۶) غرض خداوند متعال این است که بگوید بعضی مردم به خاطر شدت ضعف ایمان، هنگامی که مصیبت یا اتفاق ناخوشایندی برایشان رخ می‌دهد در آن لحظه کاملاً ناامید شده و خدا و قدرت و فضل او را فراموش می‌کنند. اگر چنین غرضی نداشت إذا را در این جایگاه به کار نمی‌برد. در بسیاری از آیات دیگر قرآن کریم و نصوص مشهور دینی ما مانند حدیث شریف کساء در چند فراز همچون فراز «فَمَا كَانَ إِلَّا سَاعَةً وَ إِذَا بَوْلَدِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ» از إذا فجائیة استفاده شده است و این موضوع اهمیت امر را دوچندان می‌کند.

پس شایسته است که متونی که حاوی إذ یا إذا فجائیة هستند به گونه‌ای ترجمه شوند که ناگهانی و یک‌دفعه بودن امر کاملاً واضح شود تا مخاطب یا خواننده کاملاً در فضای متکلم یا نویسنده قرار بگیرد.





## ۵. تاثیر معنایی إذ و إذا فجائیة در ترجمه نصوص دینی

اینک به بررسی و مقایسه چندی از ترجمه‌های نصوص دینی حول إذ فجائیة با محوریت کتاب شریف نهج البلاغة و إذا فجائیة با محوریت قرآن کریم می‌پردازیم.

### ۱-۵. حکمت ۴۱۵

«وَقَالَ عِيسَىٰ فِي صِفَةِ الدُّنْيَا: [الدُّنْيَا] تَغْرُ وَ تَضُرُّ وَ تَمُرُّ إِنَّ اللَّهَ [سُبْحَانَهُ] تَعَالَىٰ لَمْ يَرْضَهَا ثَوَابًا لِأَوْلِيَائِهِ وَ لَا عِقَابًا لِأَعْدَائِهِ وَ إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَرَّكِبٌ بَيْنَنَا هُمْ حَلُّوْا إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحَلُوا»

«استاد انصاریان: دنیا می‌فریبد و زیان می‌زند و می‌گذرد. خداوند دنیا را به عنوان پاداش برای اولیائش، و کیفر برای دشمنانش نپسندید. اهل دنیا چون کاروانند که در اثنای فرود آمدن، کاروان سالارشان فریاد بر می‌دارد که کوچ کنند.»

«استاد شهیدی: دنیا می‌فریبد و زیان می‌رساند و می‌گذرد. خدا دنیا را پاداشی نپسندید برای دوستانش و نه کیفری برای دشمنانش. مردم دنیا چون کاروانند، تا بار فکند کاروان سالارشان بانگ بر آنان زند تا بار بندند و برانند.»

«استاد دشتی: (دنیا) فریب می‌دهد، زیان می‌رساند و تند می‌گذرد. از این رو خدا دنیا را پاداش دوستان خود نپسندید، و آن را جایگاه کیفر دشمنان خود قرار نداد، و همانا مردم دنیا چون کاروانی باشند که هنوز بار انداز نکرده کاروان سالار بانگ کوچ سر دهد تا بار بندند و برانند.»

بررسی: همانطور که ملاحظه می‌کنید در ترجمه اول (استاد انصاریان)، إذا هیچ تاثیری در ترجمه ندارد چه رسد به این که معنای مفاجأة هم در ترجمه ذکر شود درحالی که در دیگر ترجمه‌های استاد انصاریان همواره فجائیة بودن إذ و إذا به چشم می‌خورد بنابر این غرض اصلی در این ترجمه صرفا ایصال معنای کلی عبارت بوده و تقریبا به خوبی این غرض حاصل شده است هرچند زیاد دقیق نیست.



اما در ترجمه‌های دوم و سوم (استاد شهیدی و دشتی) هرچند صراحتاً کلمه‌ای که دلالت بر ناگهانی بودن امر کند ذکر نشده است ولی سعی شده به گونه‌ای ترجمه شود که ناگهانی بودن امر، یعنی کوچ از دنیا به خوبی محسوس باشد.

## ۲-۵. حکمت ۴۲۶

«وَقَالَ (ع): لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصْلَتَيْنِ الْعَافِيَةِ وَالْغِنَى بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافَى إِذْ سَقَمَ وَبَيْنَا تَرَاهُ غَنِيًّا إِذْ افْتَقَرَ»

«استاد انصاریان: عبید را نسزد که به دو صفت اعتماد کند: تندرستی و توانگری، چه این‌که در همان وقت که او را تندرست بینی ناگهان بیمار می‌شود، و آن زمان که او را توانگر بینی به ناگاه تهیدست می‌گردد»

«استاد شهیدی: بنده را نسزد که به دو خصلت اطمینان کند: تندرستی و توانگری. چه آن‌گاه که او را تندرست بینی ناگهان بیمار گردد و آن‌گاه که توانگرش بینی ناگهان درویش شود»

«استاد دشتی: سزاوار نیست که بنده خدا به دو خصلت اعتماد کنند: تندرستی، و توانگری، زیرا در تندرستی ناگاه او را بیمار بینی، و در توانگری ناگاه او را تهیدست بینی.»

بررسی: در این سه ترجمه همگی از نظر افاده معنای مفاجأة، به خوبی و درستی ترجمه شده‌اند تنها نکته مربوط به ترجمه سوم (استاد دشتی) است که کمی متفاوت است و سبب آن، اعتقاد ایشان به تعلق إذ به فعل ما قبل آن (ترأه) است.

## ۳-۵. خطبه ۳ از نهج البلاغه

«وَقَالَ (ع): يَا عَجَبًا بَيْنَا هُوَ يَسْتَقْبِلُهَا فِي حَيَاتِهِ إِذْ عَقَدَهَا لِأَخْرَبَ بَعْدَ وِفَاتِهِ»

«استاد شهیدی: شگفتا! کسی که در زندگی می‌خواست خلافت را واگذارد،



چون اجلش رسید کوشید تا آن را به عقد دیگری در آرد»

«استاد انصاریان: شگفتا! اولی با این که در زمان حیاتش می خواست حکومت

را واگذارد، ولی برای بعد خود عقد خلافت را جهت دیگری بست»

«استاد دشتی: شگفتا! ابا بکر که در حیات خود از مردم می خواست عذرش را

بپذیرند، چگونه در هنگام مرگ، خلافت را به عقد دیگری در آورد؟»

بررسی: در این قسمت از کلام مولا علی علیه السلام هم مشاهده می کنیم که بنا بر اجماع

نحویون إذ در کلام حضرت امیر علیه السلام بر مفاجأة دلالت دارد زیرا بعد از «بینا» واقع

شده است اما در ترجمه های پیش رو عنایت چندانی به این معنا نشده است مگر

اندک عنایتی که استاد شهیدی داشته اند و تا حدی این معنا قابل استنباط است.

#### ۴-۵. آیه ۵۰ سوره مبارکه زخرف

«فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ» (زخرف: ۵۰)

«استاد انصاریان: هنگامی که عذاب را از آنان برطرف می کردیم، ناگاه پیمان

می شکستند»

«استاد پاینده: و چون عذاب را از آنها برداشتیم هماندم نقض پیمان کردند.»

«استاد موسوی همدانی: ولی همین که عذاب را از آنان برداشتیم دوباره پیمان

شکستند.»

«استاد قرشی: چون عذاب را از آنها زایل کردیم، آن وقت گفته خویش را

می شکستند.»

«آیت الله العظمی مکارم: اما هنگامی که عذاب را از آنها برطرف می ساختیم

پیمان خود را می شکستند.»

«استاد ارفع: وقتی عذاب را از آنها برداشتیم، پیمان شکنی کردند.»

بررسی: در ترجمه های اساتید انصاریان و پاینده، ناگهانی بودن نقض پیمان، به

خوبی نشان داده شده است، در ترجمه اساتید قرشی و موسوی همدانی با این که إذا در ترجمه تاثیر داده شده اما هرگز به ناگهانی بودن امر اشاره‌ای نشده است و این موضوع باعث می‌شود که این دو ترجمه را از بین ترجمه‌های موجود در رتبه دوم قرار دهیم، و در آخر ترجمه‌های اساتید مکارم و ارفع قرار می‌گیرد که در آن‌ها هیچ اشاره‌ای به إذا نشده است و خواننده ناگهانی بودن امر را متوجه نمی‌شود و به نظر می‌رسد برای دو ترجمه اخیر، این یک نقص باشد.

#### ۵-۵. آیه ۴۵ سوره مبارکه زمر

«وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (زمر: ۴۵)

«استاد برزی: و هر گاه کسانی به جای او یاد شوند، به ناگاه ایشان شادمانی کنند.»

«استاد انصاریان: و چون یادی از معبودان دیگر به میان می‌آید، ناگاه مسرور و شاد می‌شوند»

«استاد پاینده: و چون کسانی جز او یاد شوند هماندم آن‌ها شادمان می‌شوند.»

«استاد خواجوی: و چون ذکر آن‌هایی که غیر اویند [بت‌ها] شود، آن‌گاه شادی کنند.»

«استاد پورجوادی: و چون از معبودهای دیگر یاد شود شادمان می‌شوند.»

بررسی: در ترجمه این آیه همانطور که ملاحظه می‌شود اساتید برزی، انصاریان و پاینده، ناگهانی بودن امر را به خوبی به تصویر کشیده‌اند و در مرتبه بعد استاد خواجوی ظرف بودن إذا را بیان کرده‌اند و نه ناگهانی بودن آن را، و در مرتبه آخر استاد پورجوادی در ترجمه خود هیچ اشاره‌ای به إذا نکرده‌اند.

## ۶-۵. آیه ۳۶ سوره مبارکه روم

«وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْتُلُونَ» (روم: ۳۶)

«استاد انصاریان: و چون به سبب گناهانشان آسیب و گزندى به آنان رسد، ناگهان ناامید می‌شوند.»

«استاد آیتی: و چون به سبب کارهایی که کرده‌اند رنجی به آن‌ها رسد، ناگهان نومید می‌گردند.»

«استاد مکارم: و هر گاه رنج و مصیبتی بخاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آنان رسد، ناگهان مأیوس می‌شوند.»

«استاد قرشی: و اگر ناخوشایندی به آن‌ها برسد در اثر عملشان، آن گاه مأیوس می‌گردند.»

«استاد ارفع: و هنگامی که به خاطر کارهایشان رنج و بلا به سراغشان می‌آید، نومید می‌شوند.»

بررسی: در این ترجمه نیز استاد انصاریان مثل دیگر مواردِ إذا فجائیه، کلمه‌ای را که بر ناگهانی بودن امر دلالت کند، در ترجمه ذکر کرده‌اند. همچنین استاد آیتی و آیت الله العظمی مکارم هم به خوبی این امر را به انجام رسانده‌اند. جالب است بدانید که ایشان در مواردی نادر معنای فجائیه را در ترجمه خود تاثیر می‌دهند. اما در مرتبه و درجه بعدی بر اساس ملاک ما ترجمه استاد قرشی و استاد ارفع قرار دارد که تنها به ظرف بودن إذا اشاره کرده‌اند و در مورد معنای مفاجأة چیزی ذکر نکرده‌اند.

## ۶. نتیجه‌گیری

بدین ترتیب مشخص شد که عرب هنگامی که می‌خواهد ناگهانی بودن امری را برساند، یکی از ساده‌ترین و متداول‌ترین راه‌های آن استفاده از إذ و إذا فجائیه است؛ چیزی که در لسان آیات و روایات هم نمونه آن زیاد به چشم می‌خورد. در نهایت با



لحاظ این که هر کدام از إذا و إذ معنای خاص خود را دارند، در مقام فهم و ترجمه نصوص عربی خصوصا نصوص دینی، دقت بیشتر و تسلط افزونتری خواهیم داشت.





## فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن هشام، عبد الله بن يوسف (۷۶۱ ق). *مغنی اللیب* (چاپ چهارم). قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۳. رضی الدین استرآبادی، محمد بن حسن (۶۸۶ ق)؛ عمر، یوسف حسن، ابن حاجب، عثمان بن عمر (۶۴۶ ق). *شرح الرضی علی الکافیة* (چاپ سوم). تهران: موسسه الصادق للطباعة و النشر.
۴. زمخشری، محمود، ادبی (قرن ششم). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل عربی* (چاپ سوم). بیروت: دار الکتب العربی.
۵. سیبویه، عمرو بن عثمان (۱۸۰ ق). *کتاب سیبویه و یلیه تحصیل عین الذهب، من معدن جوهر الأدب فی علم مجازات العرب* (چاپ سوم). بیروت: موسسه اعلمی.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین (۴۰۶ ق). *نهج البلاغه / ترجمه دشتی* (چاپ اول)، ترجمه: محمد دشتی (معاصر). قم: مشهور.
۷. شریف الرضی، محمد بن حسین (۴۰۶ ق)، *نهج البلاغه / ترجمه شهیدی* (چاپ چهاردهم)، ترجمه: جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۴۰۶ ق). *نهج البلاغه / ترجمه انصاریان* (چاپ دوم)، ترجمه: حسین انصاریان (معاصر). تهران: پیام آزادی.
۹. مدنی، علیخان بن احمد (۱۱۲۰ ق)، *الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة*، تصحیح سید ابوالفضل سجادی (چاپ اول). قم: ذوی القربی.
۱۰. ناظر الجیش، محمد بن یوسف (۷۷۸ ق). *شرح التسهیل المسمی تمهید القواعد بشرح تسهیل الفوائد صرف و نحو* (چاپ اول). قاهره: دار السلام.